

هم میهنان: صحت و سقم مطالب زیر نه مورد تأکید و نه تکذیب سایت «چه باید کرد» و دست اندرکاران این تارنما است، اما نوشته های آقای دکتر عبدالستار دوشوکی در این نوشتار بسیار خواندنی است و جا دارد مورد توجه عموم قرار گیرد.

عبدالستار دوشوکی: حقایق زندگی عبدالمالک ریگی

عبدالستار دوشوکی

چهارشنبه، ۰۲ تیر ۱۳۸۹ - ۲۳ ژوئن ۲۰۱۰ - ۰۶:۳۳

حقایق زندگی عبدالمالک ریگی از صعود تا سقوط

مقدمه:

ساعاتی پیش در سحرگاه امروز با اعدام ظاهراً زود بهنگام عبدالمالک ریگی بنیانگزار جنبش مقاومت مردمی ایران موسوم به جندالله در تهران (۱)، نام وی به لیست طولانی "یاغیان" و رهبران جنبش های چریکی بلوچ که برعلیه تبعیض و ظلم و ستم حکومت های مرکزی به شورش برخاسته بودند، به تاریخ پیوست. هشتاد سال پیش نیز میر دوست محمد خان بارانزهی که با بسیج چند هزار بلوچ مسلح بر علیه رضا شاه قیام کرده بود، در ۲۶ دی ماه ۱۳۰۸ در زندان تهران اعدام شد. اما بعد از دادشاه شورشگر معروف که وی نیز در ۲۰ دی ماه ۱۳۳۶ کشته شد، کمتر کسی در حد عبدالمالک ریگی شهرت و آوازه جهانی کسب کرده بود. علیرغم سن و تحصیلات نسبتاً پائین، ریگی علاوه بر جسارت و بیرحمی در عرصه عملیات مسلحانه، مهارت و زیرکی فراوانی برای استفاده از رسانه ها و وسایل ارتباط جمعی دنیای مدرن از خود نشان داد. اما برآستی ریگی چه کسی بود؟ چرا و چگونه برخاست؟ و چرا سقوط کرد؟ چرا بطور غیر علنی محاکمه شد؟ و چرا با عجله نسبی اعدام شد؟ و سوالات متعدد دیگری که احتمالاً جوابی برای همه آنها هرگز نخواهیم یافت. در نهایت شاید زندگی کوتا اما پر ماجرای ریگی را در یک جمله بتوان خلاصه کرد: ریگی محصول و برآیند مکان و زمان خود بود و بر علیه هردو با خشونت تمام قیام کرد.

دوران کودکی و نوجوانی:

ریگی چهار سال بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در خانواده ای نسبتاً فقیر، همانند اکثر بلوچها، چشم به جهان جمهوری اسلامی گشود. وی از اوایل دوران دبستان و نوجوانی با فقر زائیده از ساختار حاکم و تبعیض عریان بین بلوچ و غیر بلوچ در زاهدان (مرکز استان سیستان و بلوچستان) آشنا شد. امتیازات ویژه مذهبی و قومی برای شیعیان طرفدار رژیم از یک طرف و سرکوب، تضیقات و تحقیر مردم بلوچ و مذهب اهل سنت از طرف دیگر، تاثیر بسیار عمیقی بر روی ضمیر و روان ریگی گذاشت. در مرکز بلوچستان بخش وسیعی از فرزندان بلوچ با پاهای برهنه و شکمی گرسنه ناچارند از طریق دستفروشی امرار معاش کنند، در حالیکه اکثریت فرزندان غیر بومیان و مسئولین شیعه حکومتی از منازل خوب و ماشین و زندگی مرفه برخوردار هستند. مشاهده این دو نوع زندگی کاملاً متفاوت در یک مکان و یک زمان برای ریگی و دوستانش که بعدها به جندالله پیوستند قابل هضم نبود. ریگی یک تن از برادران خود را در یک برخورد مسلحانه در منطقه سروان از دست داد. کوچکترین برادر وی بنام عبدالغفور نیز در یک عملیات انتحاری در قرارگاه نیروهای انتظامی در سروان کشته شد. برادر بزرگترش عبدالحمید ریگی نیز در ۲ خرداد ۱۳۸۹ در زاهدان اعدام شد (۲). سه برادر دیگر ریگی مولوی عبدالرئوف، عبدالستار و عبدالغنی می باشند. پدر و مادر پیر آنها همواره بعنوان مشوق و همراه جنگجویان جندالله در کوهستان های بلوچستان تردد می کردند. پدر ریگی ها دو روز بعد از اعلام خبر نادرست اعدام عبدالحمید ریگی در خرداد ۱۳۸۸ بدلیل سکنه قلبی از دنیا رفت. ریگی در سن

سیزده سالگی تحصیلات خود را از سال دوم دبیرستان را رها کرد و عازم سفری پانصد کیلومتری بسوی جنوب استان شد تا به یکی از گروههای چریکی فعال بنام لشکر رسول الله به رهبری مولابخش درخشان (۳) ملحق شد. لشکر رسول الله (یک دست قرآن و یک دست کلاشینکف):

معمولاً اکثر جنبش های چریکی در بلوچستان زمینه و محرکه ملی و یا قومی داشته اند. اما تبعیض مذهبی و تحقیر مذهب اهل سنت در طی سی سال اخیر، بعد جدید به قیام های مسلحانه در بلوچستان افزوده است. بعضی از گروههای موجود در بلوچستان با استناد و نشئت گرفتن از مولفه "جهاد" و "شهادت" مبارزه خود را جهاد ملی (قومی) - مذهبی معرفی می کنند. لشکر رسول الله به رهبری مولابخش درخشان یکی از آن گروهها بود که مذهب بعنوان یک فاکتور مهم و انگیزه بنیادی برای جنگ مسلحانه مورد تاکید قرار می گرفت. این گروه چریکی عملیات خشونت باری را بر علیه نیروهای انتظامی در جاده ها و پاسگاه های مرزی جنوب استان سیستان و بلوچستان اجرا نمود. مولابخش درخشان معتقد بود عملیات مسلحانه باید بر علیه نیروهای نظامی امنیتی رژیم متمرکز شود، در حالیکه عبدالمالک ریگی غیر نظامیان نظیر کارمندان دولتی و بخصوص به گفته او زابلی های شیعه مذهب را "ظالم و اشغالگر" و به اصطلاح "طعمه مشروع" می دانست و بر آن اصرار داشت. جندالله در بسیاری از اطلاعیه های خود از واژه "اشغالگران" استفاده کرده است (۴) و مبارزه خود را "جهاد بر علیه اشغالگران" توصیف نموده است. وانگهی عبدالمالک ریگی علاوه بر جنگجو بودن، نامجو و نسبتاً خودرای بود و بهمین دلیل در سال ۱۳۷۸ لشکر رسول الله را رها نمود و برای ارتقاء ایدئولوژیکی راهی یکی از مدارس مذهبی اهل سنت در منطقه سراوان شد. تحصیلات مذهبی و آشنایی بیشتر با فرهنگ "جهاد و شهادت":

سرکوب، فقر، تبعیض و بیعدالتی گسترده در بلوچستان بعنوان انگیزه های بنیادی عبدالمالک را بسوی رادیکالیسم و مبارزه مسلحانه سوق داد. اما بلندپروازی او اجازه نمی داد تا وی خود را در "یک عضو ساده گروه چریکی" و یا طلبه یک مدرسه دینی خلاصه کند. او بدنبال باروری ایدئولوژیکی بود که بتواند مبارزه مسلحانه را توجیه و تقدیس کند. مدارس مذهبی در بلوچستان، مبارزه مسلحانه را توجیه و ترویج نمی کنند، زیرا بر خلاف بعضی از مدارس اهل سنت در پاکستان و یا مدارس مذهبی تشیع در قم و مشهد، مدارس بلوچستان "پرورشگاه جهادی" نیستند. بهمین دلیل ریگی مدرسه دینی در منطقه سراوان را ترک می کند و به شهر کراچی پاکستان می رود و در محله عمدتاً بلوچ نشین ملیردر "جامعه دینی" و یا دانشگاه بین المللی ومذهبی بینوریا (۵) ثبت نام می کند که به گفته مقامات کنگره آمریکا (۶) و روزنامه تایمز آسیا (۷) پرورشگاه طالبان و القائده بوده است. برخی نیز معتقد هستند ا سامه بن لادن و ملاء عمر رهبر طالبان هر دو در این دانشگاه مذهبی تحصیل کرده بودند (۸). ریگی سپس در نیمه دوم سال ۱۳۸۰ یعنی آغاز حمله آمریکا به افغانستان و سرنگونی حکومت طالبان، کراچی را ترک کرده به شهر کوئته مرکز ایالت بلوچستان پاکستان می رود. شهری که بسیاری از کادرها و رهبران طالبان و القائده بعد از شکست در افغانستان بدانجا فرار کرده بودند. ریگی از تماس ها و کانالهای ارتباطی که در کراچی برقرار کرده بود استفاده می کند و با ستیزه جویان شکست خورده القائده ای و طالبان تماس می گیرد. بازگشت به ایران و پایه گذاری جندالله:

بعد از حمله نظامی آمریکا به افغانستان و شکست طالبان، عرصه بر ستیزه جویان القائده در پاکستان و افغانستان مستمراً تنگتر می شود. القائده دست به دامن دولت ایران برای کمک جهت خروج کادرهای خود از طریق ایران می شود. دولت آقای خاتمی نیز بر اساس دُکترین ارائه شده توسط سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی با این درخواست موافقت می کند بشرط آنکه اداره اطلاعات استان سیستان و بلوچستان بر امر نقل و انتقالات ستیزه جویان القائده ای نظارت و مدیریت کامل داشته باشد، و دوم اینکه این پروژه باید کاملاً امنیتی و مخفی بماند (۹). البته نقل و انتقال حداقل صدها جنگجوی القائده ای در طی قریب به

دو سال تا اواخر سال ۱۳۸۲ یعنی ماه‌ها بعد از سرنگونی صدام حسین، از طریق بلوچستان نمی‌توانست از انظار عمومی مردم بلوچ مخفی بماند. القائده از عبدالمالک ریگی می‌خواهد بعنوان هدایت‌کننده و راهنما گروه‌های ستیزه‌جو را از مرز میرجاوه تا دهانه شرقی خلیج فارس در نزدیکی جاسک همراهی کند. افراد القاعده بعد از رسیدن به سواحل دریای عمان در نزدیکی جاسک با لینچ عازم کشورهای عربی و بخصوص عراق (قبل از سرنگونی صدام در خرداد ۱۳۸۲) و یمن و سومالی می‌شدند. البته بر طبق نوشته‌های مولوی عبدالرئوف ریگی برادر عبدالمالک و عضو شورای علمای جندالله، عبدالمالک ریگی این مسئولیت را پوشیده از چشم اطلاعات و بصورت مخفیانه انجام می‌داده (۱۰). اما حقیقت این است که ریگی از این فرصت طلایی حداکثر بهره‌برادری را نموده است. ریگی از یک سو رابطه خود با القائده و طالبان را مستحکم و منسجم نموده، و از سوی دیگر این فرصت را یافته بود تا با دوستان قدیمی و جوانان طوایف مختلف از جمله کمال نارویی (سخنگویی فعلی جندالله)، حاج محمد ظاهر ن (رهبر فعلی جندالله)، قنبرزهی، و یاسر تماس برقرار کرده و هسته اولیه و پنج نفره جندالله را تشکیل دهند. او در حین انسجام تشکیلاتی مخفی گروه خود، به "آغای" ایدئولوژیکی گروه نیز اهمیت فراوانی می‌داد. مبارزه غیر مسلحانه و اولیه این گروه پنج نفره بر علیه سه موضوع عمده بود. تبعیض و سرکوب و بخصوص اعدام‌های فله‌ای جوانان بلوچ توسط رژیم. مبارزه با اعتیاد و نجات جوانان معتاد از طریق آموزشات مذهبی و مبارزاتی. پایان دادن به درگیری‌ها و کشتارهای بین طایفه‌ای گسترده در آن زمان که توسط رژیم دامن زده می‌شد.

ظهور جندالله و آغاز مبارزه مسلحانه:

در پروسه کالبد شکافی ظهور جندالله می‌توان به زمینه‌های متعدد اشاراتی گزرا داشت. نخست اینکه اداره اطلاعات استان از تشکیل شبکه‌های مخفی مذهبی و تبلیغاتی توسط یاران ریگی به نحوی مطلع شده بود و بهمین دلیل ۱۵ تن از افراد وابسته به شبکه ریگی را دستگیر نمود (۱۱). البته در ابتدا افراد گروه مدعی بودند که این یک گروه مذهبی سنی برای قرآن خوانی، تبلیغات و ترویج امور دینی است و شاخه نظامی نداشتند. دوماً دستگیری بعضی از سران القائده و بخصوص بازداشت اعضای خانواده اسامه بن لادن توسط اطلاعات، خلف وعده‌ای بر خلاف قول و قرارهای توافق شده بین طرفین بود. بعد از آن رابطه بین ایران و القائده شدیداً تیره گشت و نقل و انتقالات از طریق ایران نیز متوقف شد. در چنین شرایطی ریگی می‌توانست حداکثر حمایت لجستیکی و پشتیبانی و آموزشی و غیره را از القائده و طالبانِ افغان دریافت کند.

عامل مهم دیگر نقش آی‌اس آی (Inter-Services Intelligence) سرویس مخوف اطلاعاتی ارتش پاکستان در حمایت از طالبان افغان و گروه‌های متعدد وابسته به طالبان و القائده بود. بهمین دلیل علیرغم سرکوب بیرحمانه و جو شدید خفقان و کنترل کامل امنیتی آی‌اس آی بر ایالت بلوچستان پاکستان، جندالله از فضای تنفس و سهولت تردد در آن سوی مرز برخوردار بود. تشریح پیچیدگی این "رابطه" یا بهتر است بگویم "اغماض" از حوصله این نوشتار موزج خارج است. بعنوان مثال رابطه بسیار صمیمانه ایران و هندوستان (دشمن دیرینه پاکستان) در آن زمان، و شایعات مبنی بر حمایت کنسولگری هندوستان در زاهدان از ارتش آزادیبخش بلوچستان پاکستان و حمایت ایران از بلوچ‌های جدایی طلب پاکستان و گروه‌های افراطی شیعه در کلانشهرهای پاکستان فقط دو عامل دیگر از عوامل مرکب و غامض سیاست منطقه می‌باشند که توجیه‌گر اغماض یا چشم پوشی از تردد جندالله در آن سوی مرز می‌باشد. بعد از تشکیل رسمی حرکت جندالله در اواخر سال ۱۳۸۲ و سپس در طی سال‌های ۱۳۸۳ تا اوایل ۱۳۸۴ فعالیت‌های جندالله بیشتر بر روی سازماندهی، گسترش تشکیلاتی و انسجام ایدئولوژیکی متمرکز بوده و فعالیت‌های مسلحانه قابل توجهی نداشته است. مذاکره با اداره اطلاعات دولت خاتمی جهت آزاد ی یاران دربند خود که در زندان زاهدان بودند، دغدغه اصلی عبدالمالک ریگی در آن شرایط بود. علیرغم مشکلات و سوءظن‌ها، تعدادی از افراد جندالله آزاد

شدند و مذاکرات همچنان ادامه داشت ، تا اینکه ناخدای کِشتیِ طوفانزده تغییر کرد و کشتیبان را سیاستی دگر آمد.

ریاست جمهوری احمدی نژاد و آغاز خشونت عریان در استان:

انتخاب احمدی نژاد در سوم تیر ماه ۱۳۸۴ نقطه عطفی بود نه تنها در تاریخ ایران بلکه در افزایش تنش و گسترش خشونت در بلوچستان. دولت جدید با حمایت کامل از بخشی از شیعیان سیستانی (زابلی) و بر مسند قدرت نشاندن عوامل افراطی وابسته بر کرسی های مدیریتی استانداری و ادارات و دادگستری استان و تشدید تبعیض بر علیه مردم بلوچ سنی مذهب بلوچستان، سیاست "تفرقه بینداز و حکومت کن" را در پیش گرفت. گفتگو بین جندالله و اداره اطلاعات دولت احمدی نژاد منقطع شد. بعضی از افراد منتسب به جندالله محاکمه و زندانی و حتی محکوم به اعدام شدند. درگیری ها در زاهدان به شدت افزایش پیدا کرد. در آذر ماه ۱۳۸۴ جندالله راننده و محافظ احمدی نژاد را در جریان سفر احمدی نژاد به بلوچستان، به قتل رساند. در دی ماه همان سال ۹ پرسنل نیروی انتظامی در پاسگاه مرزی سراوان به گروگان گرفته شدند. دو ماه بعد از آن یعنی در شب ۲۵ اسفند ۱۳۸۴ جندالله در منطقه ای به نام تاسوکی در جاده زابل - زاهدان ۲۳ تن را کشته، تعدادی را زخمی و عده ای را به گروگان گرفت. حبیب الله دهمرده استاندار وقت سیستان و بلوچستان از این معرکه مهلک جان سالم بدر برد و حسنعلی نوری فرماندار زاهدان نیز زخمی شد. سیاست مشت آهنین دولت احمدی نژاد-- یعنی اعدام و قطع دست و پا و شکنجه و تخریب مساجد و دستگیری های گسترده افراد مظنون به طرفداری از جندالله، با بمبگذاری ها و کشتار وحشتناک از طرف جندالله پاسخ داده می شد. کشتار دارزین در اردیبهشت ۱۳۸۵ و حمله مرگبار به اتوبوس نیروهای سپاه پاسداران در بهمن همان سال فقط چند نمونه از عملیات مهلک گروه جندالله هستند. سر بردن و کشتن اسراء و بخصوص ودینوی سر بردن شهاب منصوری برادر زن عبدالحمید (برادر عبدالمالک ریگی) و پخش آن از طریق بعضی از تلویزیون های ماهواره ای و اینترنت نه تنها موجب شوکه شدن بسیاری از ایرانیان و جهانیان، بلکه اعتراض و ابراز انزجار بسیاری را برانگیخت.

شهت جهانی جندالله و عبدالمالک ریگی:

در بلوچستان گروه های چریکی بیشمار بوده و هستند که بسیاری از آنها حتی در ایران شناخته شده نیستند. وانگهی عبدالمالک ریگی به گروه معروف مولابخش درخشان بنام لشکر رسول الله پیوست. چند سال بعد از خروج ریگی از این گروه، مولابخش درخشان کشته شد و رهبری گروه به واحدبخش درخشان عموزاده وی محول گردید. این گروه متعاقباً در سال ۱۳۸۶ با جندالله ادغام شد. در کنار جندالله گروه های متعدد چریکی نظیر حزب الفرقان به رهبری مولوی عبدالجلیل قنبرزهی، سازمان مبارزین سیستان و بلوچستان به فرماندهی حاج نعمت الله شه بخش، گروه الجهاد بلوچستان، گروه جنبش خلق بلوچ، و گروه درا شه بخش مشغول فعالیت بودند. بعضی از این گروه ها از جمله نهضت عدالت بلوچستان به رهبری عبدالوحد آرمیان به جندالله پیوستند. گروه های چریکی بلوچ در برخورد با اسراء و نحوه اعمال خشونت شیوه های کاملاً متفاوتی با گروه جندالله دارند. بعنوان مثال زمانی که دو جاسوس محلی تا به دندان مسلح اطلاعات سپاه برای ترور ملاء کمال صلاح زهی (گورناکی) رهبر یک گروه چریکی بلوچ توسط محافظان وی دستگیر می شوند (۱۲). آن دو بعد از توبیخ و موعظه توسط ملاء کمال آزاد می شوند. در صورتی که جاسوسان توسط جندالله سر بریده می شوند. متأسفانه عفو و آزاد کردن جاسوس و مخبر هر گز سرخط اخبار روز نمی شود.

اگرچه ریگی در ابتدای کار تبلیغاتی و رسانه ای خود با استفاده از کانال های ارتباطی موجود بیشتر با رسانه های عربی تماس می گرفت، اما با گنجاندن دو شماره تلفن تماس ماهواره ای در وبلاگ جندالله و در همه اعلامیه های اولیه خود تلاش فراوانی برای جلب رادیو تلویزیون های ماهواره ای فارسی زبان داشت که در این راستا موفق شد. از دلایل موفقیت او می توان علاوه بر عزم راسخ و "کیش شخصیت نامجو" ، از وجود امکانات و "فضای تنفسی" در کوهستانهای

هر دوسوی مرز، اعمال خشونت قاهرانه از نوع القائده ای نظیر عملیات انتحاری ، سر بُردن و بمب گذاری در مسجد و غیره، حداکثر استفاده از رسانه ها برای تبلیغ و ترویج جنبش و خواسته های خود، نام برد. عامل مهم دیگر در کسب شهرت جهانی عبدالمالک ریگی عملکرد رژیم در بلوچستان و عکس العمل آن در صحنه بین المللی بود. بعنوان مثال جندالله شاید تنها گروه چریکی و یا از دید رسمی تنها گروه "تروریستی" در جهان باشد که دبیر کل سازمان ملل و شورای امنیت سازمان ملل بر علیه آن مجموعاً چهار بیانیه و اطلاعیه صادر کرده اند - آن هم با اصرار و پافشاری دولت جمهوری اسلامی ایران و لاغیر! این بیانیه ها در محکوم نمودن حادثه تاسوکی (۱۳)؛ بمبگذاری اتوبوس سپاه در زاهدان (۱۴)، بمبگذاری مسجد حضرت علی ابن ابیطالب (۱۵) و بمبگذاری پیشین (۱۶) صادر شدند.

بازتاب عملکرد جندالله در بلوچستان و جایگاه آن در قاموس فرهنگ و تاریخ بلوچستان: گذشته از مجادلات و مباحثات تاریخی - سیاسی، مردم بلوچ تجربه خوبی از تعامل با حکومت های مرکزی ندارند. سرکوب، سلطه گری خشن، تحقیر و تبعیض، شیوه معمول برخورد مامورین دولتی با مردم بلوچ در بلوچستان و مشخصه عملکرد آنها بوده و است. از دیدگاه روانشناسی اجتماعی، قومی که مورد ظلم و ستم و تحقیر روزانه قرار دارد بطور ناخودآگاه و اجتناب ناپذیری برای التیام "حس انتقامجویی" و تسکین درد تحقیر خویش آرزوی ظهور قهرمانی را دارد که بتواند در مقابل زورگویان و تحقیر کنندگان تا به دندان مسلح قد علم کند. در نتیجه در قاموس فرهنگ و روانکاوی مردم بلوچ یک چریک مسلح و یا یاغی شورشگر که بر علیه نظام ظلم و ستم و تحقیر قیام می کند، جایگاه ویژه ای دارد و در ادبیات اسطوره ای بلوچ این ثبت شده است. اکثریت مردم عادی با جزئیات عملکرد "قهرمان" کاری ندارند بلکه در کل شیفته "ایستادگی" و مقاومت در مقابل قدرت ظالم بظاهر شکست ناپذیر می شوند. یا وگرنه بعضی از عملکردهای جندالله با فرهنگ، مذهب و سنت بلوچ ها سنخیت ندارد، ولی در تجزیه و تحلیل نهایی ریگی آن روحیه انتقام جویی و حس تحقیر شده در بسیاری از بلوچ ها را به نحوی تسکین می داد و از این نظر در رابطه با آن روانکاوی بلوچ، ریگی را عده ای از بلوچ ها جواب غیر قابل امتناع خشونت های اعمال شده توسط حکومت می دانند. بعنوان مثال این امر کلی در مورد اسطوره شدن دادشاه علیرغم برخی از عملکردهای خشونت بار و ناپذیرفتنی وی بر علیه مردم عادی و روستایی بلوچ صدق می کند. جمهوری اسلامی دادشاه را یک قهرمان می داند و در مورد وی فیلم سینمایی (۱۷) و مستندات ساخته است. بسیاری از قربانیان دادشاه مردم عادی بلوچ بودند. اما وی در اذهان بسیاری از بلوچ ها بعنوان یک اسطوره مقاومت ثبت شده است.

ظاهراً در بلوچستان ایران ابراز حمایت از ریگی مجازات مرگ را در بر خواهد داشت. در نتیجه امکان نظر سنجی در استان سیستان و بلوچستان وجود ندارد. اما در بعضی از شهرهای ایالت بلوچستان پاکستان و حتی اروپایی نظیر اسلو تظاهراتی و جلساتی به حمایت از ریگی و مراسم ترحیم برادر اعدام شده وی (عبدالحمید ریگی) برگزار شده است. وانگهی بر اساس یک نظرسنجی نسبتاً محدود و غیر علمی بیش از حدود ۸۰ درصد از بلوچ های مقیم اروپا در ارزیابی نهایی ، علیرغم مخالفت با شیوه های مرگبار جندالله، از مقاومت ریگی حمایت می کنند. آنها معتقد هستند که علیرغم کاربرد خشونت نامطلوب توسط جندالله ، رادار پوشش خبری جهان و ایران معطوف مسائل بلوچستان بود، بر اساس ادعای طرفداران ریگی ، جندالله موفق شد لِنز دوربین های خبری جهان و توجه رسانه های ارتباط جمعی و بخصوص نگاه هموطنان و جهانیان را بسوی مشکلات، تبعیضات و مظالم جاری بلوچستان جلب کند. کاری که نیروهای فعال مدنی، سیاسی و حقوق بشری بلوچ در داخل و خارج از کشور نتوانستند انجام بدهند. آنها معتقدند که امکان فعالیت مدنی و حتی اعتراض ساده در بلوچستان وجود ندارد. آنها به دستگیری، زندان و شکنجه صدها تن بلوچ و اعدام افراد بیشمار از جمله یعقوب مهرنهاد فعال صلح طلب مدنی بلوچ اشاره می کنند. بهر تقدیر بعقیده نگارنده در تحلیل نهایی هدف نباید وسیله را توجیه کند.

دستگیری و اعدام عبدالمالک ریگی:

از یک دیگاه غیر متجانس می توان گفت که ریگی شاید قربانی "موفقیت مرگبار" نسبتاً سریع السیر خود گشت. نحوه و جزئیات دستگیری ریگی همچنان در هاله ای از ابهام قرار دارد و سوالات فراوانی را بیجواب گذاشته است. جندالله نیز هرگز گزارش کامل و قانع کننده ای از چگونگی دستگیری رهبر خود ارائه نداد. برای بررسی پیش زمینه های سقوط عبدالمالک که نهایتاً منجر به دستگیری و اعدام او شد، عوامل مندرجه زیر را باید مورد توجه قرار داد. عامل اول نقش آی ای (Intelligence Inter-Services) ارتش پاکستان در حمایت از طالبان افغان و گروه های وابسته به آنان می باشد. برای درک بیشتر این مطلب باید به تابستان سال ۲۰۰۸ بازگشت. مقامات دولت افغانستان بطور هوشمندانه و مصرانه ای به دولت آمریکا گوشزد مکرر می کردند که شاه کلید شکست طالبان افغان و القائده در دست آی ای ارتش پاکستان می باشد. دولت آمریکا نیز فشار فراوانی را بر روی ارتش پاکستان نهاد. جلسه ای بین دریاسالار مایک مولن رئیس ستاد مشترک آمریکا (Adm. Mike Mullen, chairman of the Staff Joint Chiefs of)، و دریاسالار اسکات وان بوشکرک (Rear Adm. Scott Van Buskirk) فرمانده ناوگان ضربتی نهم آمریکا و ژنرال کیانی رئیس ارتش پاکستان و ژنرال احمد شجاع پاشا فرمانده عملیاتی ارتش پاکستان و دیگر مسئولین آمریکایی در ماه آگست ۲۰۰۸ بر روی ناو جنگی ابرهام لینکولن (USS Abraham Lincoln) در دریای عمان صورت گرفت (۱۸). در این جلسه تصمیم گرفته شد ژنرال احمد شجاع پاشا مسئولیت آی ای را بعهده بگیرد که در ماه سپتامبر اینگونه شد. ژنرال احمد شجاع پاشا یک فرد شیعه و ضد طالبان می باشد. قبل از دستگیری عبدالمالک ریگی چهار تن از فرماندهان و رهبران طالبان افغان در شهرهای کراچی و کوئته پاکستان توسط آی ای دستگیر شده بودند. این یک تغییر سیاست جدی از سوی آی ای تلقی می شد (۱۹). حتی سایت دیپلماسی ایرانی به مدیریت محمد صادق خرازی برادر کمال خرازی وزیر خارجه سابق نوشت: "در واقع نوعی همکاری میان دستگاه های اطلاعاتی ایران و پاکستان در سایه حمایت آمریکا برای دستگیری ریگی در جریان بوده است اما هنوز مشخص نیست که در قبال این همکاری چه انتظاراتی برای طرف های مقابل از ایران وجود دارد" (۲۰). اشیپگل آنلاین نیز از احتمال همکاری کشورهای دیگر، از جمله آمریکا در این عملیات خبر داد (۲۱).

عامل دوم فشار و اتمام حجت دولت ایران بعد از بمب گذاری پیشین بر دولت پاکستان بود. علاوه بر تضمین طرح گازرسانی ارزان قیمت به پاکستان، دولت ایران از طریق نجار وزیر کشور (۲۲) تهدید نموده بود تا از اهرم و نفوذ شیعیان در پاکستان و "حمایت بیدریغ" از مخالفان مسلح کشور پاکستان (یعنی جنگجویان مسلح بلوچ که برای استقلال بلوچستان پاکستان می جنگند) و همسوئی استراتژیکی با هندوستان و نزدیکی بیشتر با دولت افغانستان، پاکستان را در منطقه ایزوله و تحت فشار قرار دهد. این اتمام حجت دولت ایران، پاکستان را غافلگیر کرده و راه برون رفتی جز قربانی کردن عبدالمالک ریگی بر روی دولت پاکستان و آی ای نگذاشته بود. عامل سوم نقش واسطه ها و میانجی های بلوچ بود که بعد از بمب گذاری پیشین فعال شده بودند و بعنوان رابط مذاکرات بین اطلاعات و جندالله عمل می کردند. ریگی از یک سو تصور می نمود که با دولت ایران در حال مذاکره است و در نتیجه تا مذاکرات جاری هستند، هیچ خطری او را تهدید نمی کند، غافل از آنکه انگیزه اصلی دولت در باب مذاکره شناسائی جغرافیای تردد و حضور عبدالمالک ریگی می باشد. اگرچه جندالله در اعلامیه خود قبل از دستگیری عبدالمالک ریگی بر روی این نکته تاکید کرده بود (۲۳). عامل چهارم درخواست دولت ایران از دولت افغانستان برای شناسایی ریگی در خاک افغانستان مربوط می شود. عامل پنجم مربوط به گروه های ستیزه جو طالب می شود که در پایگاهی در بین زاهدان و زابل توسط سپاه پاسداران مورد تعلیم و آموزش نظامی قرار می گیرند. حقیقتی که توسط حیدری دیپلمات بریده رژیم نیز تأیید شد (۲۴). دولت ایران از این گروه می خواهد تا ایران را در دستگیری عبدالمالک ریگی مساعدت عملیاتی و اطلاعاتی نمایند.

با توجه به مجموعه شواهد و حقایق محدود اما موجود سناریو زیر در مورد دستگیری ریگی بیش از هر تئوری و یا ادعای دیگری محتمل تر بنظر می رسد. بعد از بمبگذاری پیشین و کشته شدن بعضی از فرماندهان سپاه پاسداران و اتمام حجت دولت ایران به پاکستان، آی اس آی پاکستان که چند تن از رهبران طالبان را نیز دستگیر نموده بود، بر اساس یک نقشه هماهنگ شده از ریگی می خواهد از طریق مذاکره با دولت ایران به "غائله" خاتمه دهد. از سوی اطلاعات نیز چند تن معتمد بلوچ از طوایف وابسته به ریگی که امکان تماس با عبدالمالک ریگی را داشته اند (۲۳) بعنوان میانجی وارد میدان شدند. البته جندالله در اعلامیه ای بتاريخ یکشنبه ۲۵ بهمن ۱۳۸۸ یعنی حدود ۹ روز قبل از اعلام دستگیری عبدالمالک ریگی توسط وزیر اطلاعات جمهوری اسلامی؛ شکست مذاکرات و میانجیگری ها توسط ریش سفیدان بلوچ را اعلام می کند (۲۳). در این اعلامیه توسط جندالله آمده است: "نمایندگانی از تهران برای گفتگو به بلوچستان اعزام شدند و باب گفتگوها باز شد که محور گفتگوها و مذاکرات بر حقوق سیاسی و مدنی و اجتماعی ملت بلوچ و اهل سنت بود؛ . . . و جنبش نیز با تقاضای تمدید مدت مذاکرات بنابر حسن نیت و پیشرفت در گفتگو موافقت نمود و در طول این مدت به صورت اعلام نشده ای آتش بس نموده و تمامی فعالیتهای نظامی خود در منطقه را به حالت تعلیق در آورد". . . اعلامیه ادامه می دهد: "هدف رژیم از گشودن باب مذاکره فقط و فقط وقت کشی و دستیابی به پایگاهها و فرماندهان و شخص رهبری جنبش می باشد که الحمدلله در تمامی نقشه هایش ناکام و ناموفق شد و وقت برای اجرای عملیات بسیار زیاد است و در این گزینه هم بهره ای نخواهد برد." در پایان اعلامیه آمده است: "همچنین جنبش مقاومت به ریش سفیدان و خصوصاً آنانی که به نمایندگی رژیم به پایگاههای جنبش آمدند متذکر می شود که رژیم ولایت فقیه یک رژیم پلید و فاسد است که هیچ اعتقادی به گفتگو و مذاکره ندارد و فقط می خواهد از طریق این گفتگوها به اهداف شوم خود برسد."

ریگی که عرصه عملیاتی خویش در پاکستان را تنگ می بیند، به امید یافتن افق هایی در افغانستان؛ ظاهراً با تشویق و اطلاع کامل آی اس آی پاکستان و احتمالاً با آگاهی و هماهنگی سرویس های مربوطه "غربی" موجود در افغانستان برای "قرار ملاقاتی" در منزل یکی از معتمدین بلوچ در ایالت قندهار افغانستان به آنجا می رود. (۲۵) ریگی ظاهراً این فرد بلوچ افغان را می شناخته و در منزل او قبلاً تردد داشته. اما نمایندگان و یا "افراد مهمی" که بنا به پیشنهاد مزورانه آی اس آی قرار بود با ریگی در قندهار ملاقات کنند، ظاهراً تله ای بیش نبودند؛ و ریگی علیرغم زیرکی خود در این دام گرفتار افتاد. دولت ایران نیز که از طریق آی اس آی از محل اقامت عبدالمالک ریگی و همراهش مطلع شده بود، از دولت افغانستان و متحدانش درخواست همکاری برای دستگیری ریگی می کند. عبدالمالک ریگی در ساعات اولیه روز سوم اقامت خویش در قندهار به همراه داماد (شوهر خواهر) خود که اسم وی نیز اتفاقاً عبدالمالک ریگی می باشد توسط نیروهای امنیتی افغانستان و بنا به ادعای سخنگوی جندالله احتمالاً آمریکایی نیز دستگیر می شوند. بر طبق ادعای جندالله این عمل حداقل با اطلاع سرویس های امنیتی کشورهای غربی فعال در ایالت قندهار از جمله آمریکا و بریتانیا صورت گرفته. آقای کمال نارویی سخنگوی جندالله در مصاحبه با رادیو بلوچی گوانگ بتاریخ ۹ اسفند ۱۳۸۸ یعنی پنج روز بعد از اعلام دستگیری ریگی، مدعی می شود که ریگی مستقماً توسط مامورین آمریکایی دستگیر شده است (۲۶) وی همچنین تأیید می کند که عکس منتشر شده ریگی در افغانستان (۲۷) توسط وزیر اطلاعات ایران نیز واقعی می باشد و توسط آمریکایی ها به دولت ایران داده شده. سخنگویان جندالله (اقایان کمال نارویی و مولوی عبدالرئوف ریگی) در مصاحبه های متعدد در اسفند ماه ۱۳۸۸ مدعی شدند که یک جاسوس اسرائیلی در این موضوع دست داشته و این جاسوس موساد توسط جندالله دستگیر شده است. سخنگویان جندالله اعلام کردند که بزودی جزئیات دستگیری عبدالمالک ریگی و نقش سرویس های جاسوسی اسرائیل، آمریکا، افغانستان و پاکستان را فاش خواهند کرد - امری که تا کنون صورت نگرفته است. سوالات فراوانی در این مورد می تواند مطرح باشد. از جمله اینکه ریگی بنا به تشویق و

درخواست آی اس آی پاکستان به دیدار چه کس و یا چه کسانی به قندهار رفت؟ آیا سرویس های اطلاعاتی آمریکا، بریتانیا و اسرائیل در ماجرای دستگیری ریگی نقشی داشتند؟ و اگر داشتند، نقش آنها دقیقاً چى بود. سخنگویان وزارت خارجه آمریکا و انگلیس هر گونه نقش کشور متبوعه خویش در حمایت از ریگی را رد کرده اند اما مطلبی در مورد اشراف سرویس های امنیتی و اطلاعاتی خویش و یا نقش احتمالی آنها در دستگیری ریگی ارائه نداده اند. ادعاهای متضاد و متناقض (۲۸) جمهوری اسلامی در مورد هواپیمای قیرقیزی و نمایش ناپخته کماندوها و غیره هرگز در جهان خریداری نداشت، و پرداختن به آن شاید جز اتلاف وقت نتیجه دیگری عاید نخواهد شد. بر طبق ادعاهای مسافران هواپیمای قیرقیزی در فرودگاه بندر عباس نه از به اصطلاح کماندوها ی ویژه سپاه خبری بود و نه از ریگی و دامادش (به اصطلاح حمزه معاون وی) . عکس های منتشر شده توسط مسافران قیرقیزی در باند فرودگاه بندرعباس بیانگر این واقعیت است (۲۹).

شاید حقیقت ماجرای دستگیری ریگی به همراه بسیاری از پرسش ها و ناگفتنی های دیگر، امروز صبح با خود او برای همیشه "دفن" شدند، اما گمانه زنی ها نه تنها در مورد چگونگی دستگیری وی، نقش آی اس آی (ISI) ارتش پاکستان، و همچنین انگیزه محاکمه کوتاه و غیر علنی و اعدام نسبتاً زود بهنگام وی همچنان ادامه خواهد داشت. اگرچه خانواده قربانیان عملیات مسلحانه جنرال الله از جمله فرزند سردار نورعلی شوشتری فرمانده ارشد سپاه خواهان اجرای هر چه زودتر حکم قصاص در مورد ریگی شده بودند (۳۰). اما در مقایسه، عبدالحمید ریگی برادر وی بعد از دو سال دستگیری و اعترافات و مستندات تلویزیونی متعدد و اظهار ندامت و شرکت حضوری در همایش ها و جلسات ریش سفیدان و معتمدین محلی بلوچ در شهرهای مختلف بلوچستان، در زاهدان اعدام شد. اما عبدالمالک ریگی بعد از تحویل به مقامات امنیتی جمهوری اسلامی مستقیماً به مکانی امن اما نامعلوم در تهران منتقل شد. ریگی بلافاصله بعد از دستگیری اجازه یافت پیغام ویدئویی برای شورای مرکزی جنرال الله بفرستد. این نوار ویدئویی کاملاً با ویدئوی های اعترافات پخش شده از تلویزیون های جمهوری اسلامی فرق می کند. وی در این ویدئو از کشته شدگان جنرال الله بعنوان شهید یا می کند و از کشته شدگان دولتی بعنوان "رفته گان" (۳۱). وی در این ویدئو خواهان پرهیز جنرال الله از هرگونه انتقامجویی می باشد. اما جنرال الله تهدید به انتقامجویی شدید نموده است. علیرغم ادعای رییس کل دادگستری سیستان و بلوچستان و دادستان زاهدان مبنی بر محاکمه علنی ریگی در زاهدان (۳۲)؛ محاکمه غیر علنی و اعدام وی نیز در تهران بود (۳۳).

دکتر عبدالستار دوشوکی

مرکز مطالعات بلوچستان - لندن

یکشنبه ۲۰ خرداد ۱۳۸۹

منبع: سایت گویا

Doshoki@gmail.com

فهرست لینک ها به منابع و مراجع

۱. <http://www.farsnews.net/newstext.php?nn=۸۹۰۲۳۰۰۰۴۸>

۲. <http://www.farsnews.net/newstext.php?nn=۸۹۰۲۰۳۰۱۱۸>

۳. http://dezaknews-h.blogspot.com/blog-post_۲۰۰۹/۰۲.html

۴. <http://www.junbish.blogspot.com>

۵. <http://www.binoria.org>

۶. http://hensarling.house.gov/RSC/doc/ca_۰۷۱۴۰۸/mccaulmadrassatwo.pdf

۷. http://www.atimes.com/atimes/South_Asia/FF۰۵Df۳۳.html

[/cococon/caii/xhtml/fa/features](http://cococon/caii/xhtml/fa/features) /http://centralasiaonline.com ۱۸
 .۲feature-/.۰۳/۳۳/۳۰۱۰caii/features/pakistan/
[html.۰۰,۰,۸۵۹۹,۶۶۳۹۶۷nation/article/](http://www.time.com/time) /http://www.time.com/time ۱۹
[.blogspot.com](http://taftan.blogspot.com)۲۲http://taftan ۱۰
[cat&۳۳.id=&Balochi](http://www.rozhn.tv/?lang) =http://www.rozhn.tv/?lang ۱۱
[feature=related&QKFoKovoeP۱v=](http://www.youtube.com/watch) ?http://www.youtube.com/watch ۱۲
<http://www.tasooki.com> ۱۳
[.html۳۳۹۸۱۹۳,۰۰,,.article/](http://www.dw-world.de/dw) /http://www.dw-world.de/dw ۱۴
[zahedan_blast.shtml__op۳۰۰۹/۰۵/۰۹۰۵۳۸iran/](http://www.bbc.co.uk/persian) /http://www.bbc.co.uk/persian ۱۵
[html.۱۸۵۳۳۹۹/_TERROR_SEPAH](http://www.radiofarda.com)۸content/F /http://www.radiofarda.com ۱۶
[/daad-shah-۹-۸۷d -۷-a۸-d۲-b۸-af-d۸-d۷-a۸-af-d۸d -/](http://www.persianfilm.net)http://www.persianfilm.net ۱۷
[.html۱b۳۶۹۰۶dc_video](#)
[File:Kayani_and_Pasha.jpg](http://en.wikipedia.org/wiki) /http://en.wikipedia.org/wiki ۱۸
[html.۶۷۸۳۷۹,۰۰,۰,۱۵۱۸international/world/](http://www.spiegel.de) /http://www.spiegel.de ۱۹
[=Action&۷۰۲.ArticleId=](http://www.irdiplomacy.ir) &۲TypeId=&۳۲Page=&Lang=fa ?http://www.irdiplomacy.ir ۲۰
[ArticleBodyView](#)
[.html۵۳۸۶۸۶۷,۰۰,,.article/](http://www.dw-world.de/dw) /http://www.dw-world.de/dw ۲۱
[__he۳۰۰۹/۱۰/۰۹۱۰۳۳iran/](http://www.bbc.co.uk/persian) /http://www.bbc.co.uk/persian ۲۲
[baluchestan_rigi_najjar.shtml](#)
[.html۱۲blog-post_/۳۰۱۰/۰۲](http://junbish.blogspot.com) /http://junbish.blogspot.com ۲۳
[wXkTARM۳v=HcW](http://www.youtube.com/watch) ?http://www.youtube.com/watch ۲۴
[cat&۳۳.id=&Balochi](http://www.rozhn.tv/?lang) =http://www.rozhn.tv/?lang ۲۵
[۵۱۰۱article_no=](http://sunni.rr.nu/fa) _articles.aspx?selected /http://sunni.rr.nu/fa ۲۶
[.html۰۸/blog-post_۳۰۱۰/۰۲com/](http://shohada..blogspot) ..blogspot۱۱۱http://shohada ۲۷
[۸۷۳۷۰cid=?](http://www.tabnak.ir/fa/pages) /http://www.tabnak.ir/fa/pages ۲۸
[۳۰st=&۳۳۳۳۸۷php?showtopic=](http://diesel.elcat.kg/index) .http://diesel.elcat.kg/index ۲۹
[html.۳۵۹۳۱۰](http://rssnews.ir/News-) .http://rssnews.ir/News- ۳۰
[_feature=player&WVGahnI۸v=daA](http://www.youtube.com/watch) ?http://www.youtube.com/watch ۳۱
[!#embedded](#)
[۸۷۳۳۶cid=?](http://www.tabnak.ir/fa/pages) /http://www.tabnak.ir/fa/pages ۳۲
[۸۹۰۳۳۰۰۰۲۸newstext.php?nn=](http://www.farsnews.net) /http://www.farsnews.net ۳۳